



درباره سرگذشت رادیو و خاطراتی که حالا ۷۴ساله شده‌اند

مخابره صدا روی موج مشهد

سیدنعیمه زینبی ۱۵اردیبهشت ۱۳۱۹ خورشیدی روزی است که مردم ایران توانستند بفاز کردن پیچ رادیو، شنونده صداهای ماندگار بسیاری باشند. صداهایی که حالا ۷۴ سال است بخشی از خاطرات همه ما را شیرین کرده است. اسناد تاریخی می گویند، رادیو پس از ورود به ایران، ۹سال طول کشیده تا به شهر امام رضا(ع) راه یابد. روزنامه آفتاب شرق و دیگر جراید استان در ۱۳دی ۱۳۲۸ خبر افتتاح رادیوی مشهد را منعکس می کنند؛ البته آن جعبه صدا، راه دورودرازی را باید می پیمود تا به نقطه اتکاپذیر برسد.

● نخستین فرستنده‌های رادیویی مشهد حدود هشتاد سال پیش اوضاع مشهد آن قدر به هم ریخته بود که روس‌های می توانستند هرکاری که دلشان می خواهد، انجام بدهند. آن‌ها حتی پیش از اینکه مشهد صاحب وسیله ارتباط جمعی شود، برویایی داشتند رادیو تأسیس می کردند. ارتش سرخ در سال‌های اشغال مشهد برنامه‌هایی را از ساعت ۱۲ تا ۱۴ از این رادیو مخابره می کرد که کسی از محتوای آن خبری نداشت. در اسناد به‌جامانده درباره رادیو روس‌ها آمده است که آن‌ها در سال ۱۳۲۳ خورشیدی از مدیر کارخانه برق مشهد می‌خواهند روزی دو ساعت نیروی برق مورد نیاز این دستگاه را تأمین کنند، با این حال روس‌ها در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۲۴ از مشهد خارج می‌شوند و کار تنها ایستگاه رادیویی مشهد که البته در تصرف روس‌ها بوده، همین‌جا به پایان می‌رسد.

چهار سال بعد، لشکر خراسان با خرید و نصب یک دستگاه فرستنده رادیویی، اتفاق تازه‌ای را برای مشهد رقم می‌زند و رادیو لشکر ۱۹ شهریور ۱۳۲۸ افتتاح می‌شود. این رادیو روی موج کوتاه و به مدت یک ساعت (حوالی ساعت ۸ شب) صداهایی را پخش می‌کند که در شب اول، شامل نطق افتتاحیه سرتیپ حسین میهن، ستون‌نوازی عباس فرامرز، اخبار منطقه لشکرو... بوده است. در شب‌های دیگر تلاوت قرآن هم در ابتدا و انتهای برنامه جامی گیرد. عباس فرامرز که نخستین موسیقی را در رادیومشهد نواخته است، در خاطراتش می‌گوید: «زمانی که رادیو در مهمانسرای ارتش بود، نظامی‌ها رفت‌وآمد می‌کردند و شلوغ بود. موقع اجرای برنامه یکهو کسی وارد می‌شد و می‌گفت دست نگه دارید،

چهار سال بعد، لشکر خراسان با خرید و نصب یک دستگاه فرستنده رادیویی، اتفاق تازه‌ای را برای مشهد رقم می‌زند و رادیو لشکر ۱۹ شهریور ۱۳۲۸ افتتاح می‌شود. این رادیو روی موج کوتاه و به مدت یک ساعت (حوالی ساعت ۸ شب) صداهایی را پخش می‌کند که در شب اول، شامل نطق افتتاحیه سرتیپ حسین میهن، ستون‌نوازی عباس فرامرز، اخبار منطقه لشکرو... بوده است. در شب‌های دیگر تلاوت قرآن هم در ابتدا و انتهای برنامه جامی گیرد. عباس فرامرز که نخستین موسیقی را در رادیومشهد نواخته است، در خاطراتش می‌گوید: «زمانی که رادیو در مهمانسرای ارتش بود، نظامی‌ها رفت‌وآمد می‌کردند و شلوغ بود. موقع اجرای برنامه یکهو کسی وارد می‌شد و می‌گفت دست نگه دارید،

چهار سال بعد، لشکر خراسان با خرید و نصب یک دستگاه فرستنده رادیویی، اتفاق تازه‌ای را برای مشهد رقم می‌زند و رادیو لشکر ۱۹ شهریور ۱۳۲۸ افتتاح می‌شود. این رادیو روی موج کوتاه و به مدت یک ساعت (حوالی ساعت ۸ شب) صداهایی را پخش می‌کند که در شب اول، شامل نطق افتتاحیه سرتیپ حسین میهن، ستون‌نوازی عباس فرامرز، اخبار منطقه لشکرو... بوده است. در شب‌های دیگر تلاوت قرآن هم در ابتدا و انتهای برنامه جامی گیرد. عباس فرامرز که نخستین موسیقی را در رادیومشهد نواخته است، در خاطراتش می‌گوید: «زمانی که رادیو در مهمانسرای ارتش بود، نظامی‌ها رفت‌وآمد می‌کردند و شلوغ بود. موقع اجرای برنامه یکهو کسی وارد می‌شد و می‌گفت دست نگه دارید،

درباره سرگذشت رادیو و خاطراتی که حالا ۷۴ساله شده‌اند

مخابره صدا روی موج مشهد

سیدنعیمه زینبی ۱۵اردیبهشت ۱۳۱۹ خورشیدی روزی است که مردم ایران توانستند بفاز کردن پیچ رادیو، شنونده صداهای ماندگار بسیاری باشند. صداهایی که حالا ۷۴ سال است بخشی از خاطرات همه ما را شیرین کرده است. اسناد تاریخی می گویند، رادیو پس از ورود به ایران، ۹سال طول کشیده تا به شهر امام رضا(ع) راه یابد. روزنامه آفتاب شرق و دیگر جراید استان در ۱۳دی ۱۳۲۸ خبر افتتاح رادیوی مشهد را منعکس می کنند؛ البته آن جعبه صدا، راه دورودرازی را باید می پیمود تا به نقطه اتکاپذیر برسد.

عمل خواهد آمد.»

عبدالحسین آموزگار (مدیرمسئول روزنامه آفتاب شرق در آن زمان) هم که نخستین رئیس اداره انتشارات وتبلیغات خراسان بوده است، در پایان مراسم توضیح می‌دهد: «با مساعدت و همکاری ارتش و اولیای محترم لشکر خراسان و سعی سازمان انتشارات وتبلیغات استان نهم، مردم می‌توانند هم‌روزه از ساعت ۱۶ تا ۱۸ روی موج کوتاه ۳۷۵متر، برابر ۸هزار ۲۰۰ کیلوسیل در ثانیه از برنامه‌های رادیومشهد استفاده کنند.»

● بی‌پولی؛ مسئله‌ای همیشگی البته آن ایرادهایی که شاه‌رخ در افتتاحیه از آن صحبت می‌کند، خیلی زود خودش را نشان می‌دهد و فقط چند ماه کافی است تا صدای رسانه‌های مکتوب در باب ناکارآمدی رادیو بلند شود؛ سوم اسفند، آموزگار نخستین تذکر را از رئیس اداره کل انتشارات و تبلیغات به‌خاطر نواقص دستگاه فرستنده و تشکیلات اداری این استان دریافت می‌کند. معلوم می‌شود مشهد

با شکوهی در ساعت ۳/۵ روز ۱۲دی آن سال در باشگاه لشکر خراسان برگزار شد و رادیومشهد ساعت ۱۶ با اعلام رسمی آغاز به کار کرد. «همچنین در این جشن، پیام شاه‌رخ، رئیس اداره کل انتشارات و تبلیغات آن زمان، به‌صورت ضبط‌شده از رادیو، پخش شده‌است که می‌گوید: «هم‌میهنان عزیز خراسان! در این موقع که اداره انتشارات وتبلیغات استان نهم تأسیس می‌شود، با کمک ارتش می‌توانیم رادیومشهد را به کار اندازیم.... پرواضح است که هر دستگاهی در مراحل اولیه خود نمی‌تواند کامل باشد، ولی اطمینان داشته باشید که آنچه از قوه ما ساخته است، برای تکمیل اداره تبلیغات استان نهم به

در این تاریخ، روزنامه خراسان در حمایت از آموزگار می‌نویسد: «حدود هشت ماه از افتتاح رادیومشهد می‌گذرد. یک دستگاه ناقص رادیو، بدون بودجه وسیله کامل پخش صدا در مشهد



سخنرانی اولین گوینده مذهبی رادیو لشکر خراسان در جمع نظامیان



کارکنان رادیو ملی در دهه ۵۰، قرن ۱۴ خورشیدی



ساختمان رادیو و تلویزیون ملی، تهران، دهه ۵۰، قرن ۱۴ خورشیدی

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت شصت و ششم)

ابراهیم میرزا و عصر هنر پروری

مرضیه ترابی



هر چند که با آغاز دوره صفوی، ایران یکپارچگی خود را بازیافت و با اعلام مذهب شیعه اثنی عشری به عنوان مذهب رسمی کشور، انسجامی عقیدتی نیز حاصل شد. شکل گرفتن ایران شیعی مستقل، بهانه‌ای به دست حکومت عثمانی داد تا بتواند به توسعه طلبی هایش در مرزهای غربی کشور، ما، جامه عمل بپوشاند. با تحریک سلاطین عثمانی، ازبک‌ها نیز به‌سوی ایران تاختند و همان‌طور که مرزهای غربی کشور به دلیل کروفر عثمانی‌ها در معرض غارت و ویرانی بود، مرزهای شرقی نیز آماج تگرری هاو چپاول نیروهای نظامی ازبک شد و مشهد به عنوان شهر مهم این منطقه که از منظر اعتقادی، پایتخت معنوی ایران شمرده می‌شد، در معرض شدیدترین حملات قرار گرفت. با اینکه شاه اسماعیل یکم پس از تلاش فراوان توانست ازبکان را از مرزهای شرقی بتاراند و مشهد و اطراف آن را از لوٹ وجود دشمنان پاک کند، هجمه سنگین عثمانی به آذربایجان و اشغال تبریز و در پی آن، مرگ ناپهنگام شاه اسماعیل یکم، برای مدتی اوضاع کشور را در هم ریخت و اسباب پریشانی امور را فراهم کرد. در چنین

بزرگش را به عقدوی درآورد و به این ترتیب، ابراهیم میرزا، داماد شاه صفوی شد و ارج و قرب وی در دستگاه حکومت، بسی افزایش یافت. توانایی او چنان نظرهارا به خود جلب کرد که از چهارده سالگی، مسئولیت‌های مهم دربار را به ابراهیم میرزا واگذار کردند و چون قدرت وی در مدیریت امور را هم دیدند، در شانزده سالگی حکومت یکی از ایالات مهم عصر صفوی، یعنی خراسان، راشاه تهماسب یکم به ابراهیم میرزا واگذار کرد. حسن بیگ روملو، در «حسن التواریخ» می‌نویسد که شاه تهماسب یکم، بعد از عزل «حسن سلطان روملو»، حاکم مشهدالرضا، به دلیل بی کفایتی در نظر داشت شخصی را به جای وی بگمارد که «عارف به معارف آن حضرت (امام رضا) و عالم به قدر و منزلت این سعادت باشد و چون شاهزاده ابراهیم میرزا بیشتر از بقیه شاهزادگان در نیک خلقی کوشیده بود و در عدالت گستری و رعیت پروری سرآمد دیگران بود، به حکومت مشهد سرفراز شد.»

● ورود به مشهد در فروردین ۱۳۵خورشیدی ابراهیم میرزا در اسفند سال ۹۳۴ خورشیدی، عازم مشهد شد و در فروردین سال بعد، به مشهد رسید و به زیارت امام رضا(ع) رفت. او رسیدگی به امور را، با وجود صغر سن، از همان ابتدای ورودش به شهر شروع کرد. ابراهیم میرزا سه روز در هفته را برای رسیدگی به امور زائران و مجاوران، به ویژه نیازمندان و درماندگان دورر اماندگان اختصاص داد. به حرم‌رضوی می‌رفت، در گوشه‌ای از رواق دارالسیاده می نشست و به صحبت‌های مردم گوش می‌داد و حتی الامکان، کمکشان می‌کرد و در همان حال، به کارهای حکومتی‌اش هم می‌رسید. این دسترسی عمومی به حاکم، اسباب امنیت و رونق عمرانی



تأسیس یافته است و تاکنون بر اثر پشتکار و جدیت ایشان برنامه اجرا نموده است.»

اوضاع این موج رادیویی، خوب پیش نمی‌رود، تا جایی که هفده ماه بعد کار به تعطیلی می‌کشد و خرداد ۱۳۳۰ هم زمان با ماه مبارک رمضان درحالی که همه منتظر بودند برنامه مناسبی در این ماه پخش شود، صدا در سکوت فرو می‌رود. محمدجواد غفوریان که در دهه ۳۰ با این سازمان همکاری می‌کرده، درباره آن دوران، نابسامانی رادیو و ناچیز بودن دستمزدها می‌گوید: «رادیومشهد هفت یا هشت نفر کارمند رسمی داشت و هنرمندانی مانند آقایان منتظمی (نوازنده تار)، فرامرز (نوازنده سنتور)، رضا درمان، دلشادی، آل داوود، صنعتی و من به‌صورت قراردادی با آن همکاری داشتیم. حقوق من برای هر سه جلسه آوازخوانی ۱۰ تومان بود.»

● ساختمان نو، روح تازه در این برش زمانی، تبلیغات به کمک اوضاع بد رادیومشهد می‌آید، در نخستین روز دومین ماه بهار، اولین آگهی تبلیغاتی در رادیو پخش می‌شود تا هزینه‌های آن را تأمین کند. بالاخره روزهای خوش رادیو فرامی‌رسد. فرستنده رادیومشهد به کوچه هتل پارس (ساختمان شهربانی سابق) منتقل می‌شود و قدرت فرستنده آن به هشتصد وات افزایش می‌یابد.

آموزگار به رادیومشهد بازمی‌گردد و تا سال ۳۵ در این سمت باقی می‌ماند. ساختمان رادیو به یک ساختمان اجاره‌ای حدفاصل چهارراه لشکر و میدان دوچرخه منتقل می‌شود. طبق گزارش جراید آن زمان، پایان همراه کادر دفتری انتشارات و رادیو خراسان به محل جدید واقع در خیابان سی متری چهارراه لشکر مقابل کارخانه



سخنرانی سرهنگ نظام الملکی از رادیو لشکر مشهد

و اقتصادی شهر را فراهم آورد. ابراهیم میرزا در دوران حکومتش، دوبار تهاجم سنگین ازبکان را دفع کرد.

● آغاز عصر هنر پروری او در اوقات فراغت، تقریباً دو روز در هفته، به امور هنری اشتغال داشت و هم صحبت دانشمندان و هنرمندان بود، به فعالیت‌های هنری می‌پرداخت، نقاشی و خطاطی می‌کرد و از حضور صفادان این فنون در مشهد، استقبال می‌کرد. ابراهیم میرزا در خطاطی از سبک میرعلی هروی پیروی می‌کرد و افزون بر فراگیری این هنر نزد استاد بنامی همچون مالک دبلمی، به جمع آوری آثار هنری میرعلی هروی علاقه داشت. کتابخانه‌ای بزرگ در مشهد ایجاد کرد که مورد استفاده اهل علم بود و در آن، جمع بزرگی از خوشنویسان، نقاشان، تذهیب کاران، صحافان و تصویرسازان، به تولید کتاب و آثار هنری و مرمت مکتوبات دوره‌های قبل اشتغال داشتند، به همین دلیل، برخی معتقدند که باید ابراهیم میرزا را بنیان گذار یا دست کم یکی از بانیان توسعه هنر کتاب‌سازی و صحافی در استان قدس رضوی بدانیم. از میان دانشمندان و هنرمندانی که مورد لطف ابراهیم میرزا بودند، می‌توان به خواجه حسین ثنایی مشه‌دی، میرزاقلی هروی، مولانا مشرف حکاک، شعوری نیشابوری، مولانا عیسی، شیخ محمد سبزواری و عبدا... مذهب شیرازی اشاره کرد.

● فرجام تلخ حاکم هنر پرور ابراهیم میرزا حدود بیست سال در مشهد حکومت کرد، دورانی توأم با امنیت و توسعه رفاه برای زائران و مجاوران. در زمان حکومت وی، باروی مشهد که ساخت آن به فرمان شاه تهماسب یکم آغاز شده بود، تکمیل شد، با



آرد، منتقل و قرار می‌شود تا تکمیل ساختمان دودستگاه استودیو، برنامه رادیو در محل سابق اجرا شود.

● رادیو به میدان‌های شهر می‌آید مدتی بعد مدیریت رادیومشهد به امیر جاهدی سپرده می‌شود. او اتفاقات جالبی را برای رادیو و شهر رقم می‌زند. جاهدی به افزایش مخاطبان فکر می‌کرد، به همین دلیل در میدان‌های شهر بلندگوهای بزرگ قوی نصب می‌کند تا افزون بر برنامه‌های روزانه رادیومشهد، برنامه صبح و ظهر رادیو تهران نیز با بلندگو در شهر پخش شود.

نخستین بلندگو در پشت بام ساختمان اداره انتشارات و رادیو نصب می‌شود. میدان شاه (میدان شهید)، دروازه قوچان (میدان توحید)، میدان هنرستان، سوم اسفند (ده‌دی) و چهار طبقه (مدرس) نیز گزینیه‌های بعدی برای نصب بلندگو و پخش برنامه‌های رادیو هستند. شاید همین اتفاق است که باعث می‌شود مردم بیشتر رادیو را بشناسند. در میدان‌های شهر، برنامه‌های رادیو که آن زمان برای مردم نوظهور و جالب است، توجه هر شنونده‌ای را جلب می‌کند. این ایجاد علاقه سبب می‌شود تا در مهر سال ۱۳۳۶ نخستین برنامه صبح رادیو پخش شود و از آن تاریخ، برنامه‌های رادیو در دو نوبت صبح و عصر به اجرا درآید.

● رادیو گسترده می‌شود برنامه‌های رادیو روز به روز بیشتر می‌شود و رفت‌وآمد به استودیوی آن برای ضبط و پخش برنامه‌های جدید هر روز افزایش می‌یابد. این اتفاقات باعث می‌شود ساختمان اجاره‌ای

توانند جواب کار رادیو را بدهد تا کارکنان، ناگزیر به ساختمان تازه‌ای کوچ کنند.

وزارت اطلاعات و انتشارات وقت، یک ساختمان دوطبقه در کوچه پشت ساختمان استانداری خراسان می‌سازد که در طبقه اول، تشکیلات اداری و در طبقه دوم آن استودیوها قرار دارد که آرشو نوارهای برنامه نیز در آنجا نگهداری می‌شود. تا سال ۴۷ خورشیدی آن ساختمان دو استودیو دارد که برنامه‌های رادیویی در آن ساخته و پس از آن، یک اتاق دیگر اضافه می‌شود و قدرت فرستنده آن نیز به ۱۰ کیلو وات افزایش می‌یابد که آن را در باغ بی‌سیم نصب می‌کنند. سال ۴۷، سال اوج رادیو در مشهد است، آن چنان که روزی یازده ساعت برنامه در رادیو، تولید و از ساعت ۶امداد تا ساعت ۲۴پخش می‌شود.

● تا خراسان بزرگ پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فرستنده ۱۰۰ کیلوواتی صدای جمهوری اسلامی ایران در مشهد، موسوم به فرستنده شهید هاشمی نژاد در سال ۱۳۶۰ و به دنبال آن فرستنده‌های بجنورد و طبس به قدرت ۱۰ کیلووات آغاز به کار می‌کنند و در ادامه فرستنده‌های سبزوار، نهبندان و فردوس و کاشمر به مجموعه فرستنده‌های رادیویی خراسان اضافه می‌شوند که در نتیجه تقریباً تمام خراسان بزرگ زیر پوشش رادیویی موج متوسط قرار می‌گیرد. در دوم اردیبهشت ۱۳۷۵ مصادف با عید سعید قربان، «شبکه استانی صدای خراسان» راه اندازی و کودک نوپای رادیومشهد چنان بزرگ می‌شود که همه خراسان بزرگ را زیر سایه امواج خودش قرار می‌دهد.



این حال مرگ شاه تهماسب یکم، فرجام تلخی را برای حاکم هنر پرور خراسان رقم زد. شاه اسماعیل دوم که به جای پدرش به قدرت رسیده بود، به دلیل زندانی شدن بیست ساله در قلعه «فقهیه»، تقریباً در مرز جنون قرار داشت و به همین دلیل، فرمان داد همه شاهزادگان صفوی را که بالقوه برای وی رقیبی فرض می‌شدند، از میان بردارند. به این ترتیب، در نخستین روزهای بهمن سال ۹۵۵ خورشیدی، قرعه مرگ به نام ابراهیم میرزا افتاد. او در آن زمان، حدودا سی و شش ساله بود. مأموران شاه اسماعیل دوم، برای بازداشت شهرخواهر وی و انتقال او به قزوین، پایتخت آن زمان صفویه، شبانه وارد مشهد شدند و به محض ورود بر وی، حاکم هنر پرور مشهد و خراسان را کت بسته، روانه پایتخت کردند. قتل میرزا ابراهیم صفوی در ۱۵ اسفند ۹۵۵ خورشیدی و با دستور شاه اسماعیل دوم رخ داد. هنگامی که این خبر تلخ به گوش مردم مشهد رسید، شهر در بهتی پرتاثر فرو رفت. همسر میرزا ابراهیم، خواهر بزرگ شاه اسماعیل دوم، پس از قتل شوهر، دوری وی را تاب نیاورد. دختر شاه تهماسب یکم که همراه همسرش به قزوین رفته بود، افتاد. او در آن زمان، حدودا سی و شش ساله بود. مأموران شاه اسماعیل دوم، برای بازداشت شهرخواهر وی و انتقال او به قزوین، پایتخت آن زمان صفویه، شبانه وارد مشهد شدند و به محض ورود بر وی، حاکم هنر پرور مشهد و خراسان را کت بسته، روانه پایتخت کردند. قتل میرزا ابراهیم صفوی در ۱۵ اسفند ۹۵۵ خورشیدی و با دستور شاه اسماعیل دوم رخ داد. هنگامی که این خبر تلخ به گوش مردم مشهد رسید، شهر در بهتی پرتاثر فرو رفت. همسر میرزا ابراهیم، خواهر بزرگ شاه اسماعیل دوم، پس از قتل شوهر، دوری وی را تاب نیاورد. دختر شاه تهماسب یکم که همراه همسرش به قزوین رفته بود، چند روز بعد از کشته شدن شوهر، دار فانی را وداع گفت و پیکر او را در گوشه‌ای از گورستان پایتخت، در کنار شوهر مقتولش به خاک سپردند. بیداد شاه خونخوار صفوی، بقای حکومت او را با نقصانی جدی روبه‌رو کرد و در کمتر از دو سال به حیات حکومت و شخص او پایان داد. چند ماه بعد از مرگ آن فرمانروای خونریز، گوهر شاد بیگم، دختر میرزا ابراهیم صفوی، پیکر پدر و مادر خود را به مشهد انتقال داد و در دارالسیاده حرم رضوی به خاک سپرد.

تاریخ و هویت

شماره ۱۵۳۷۴
شماره ۱۵۳۷۴
شماره ۱۵۳۷۴



تاریخ و هویت

منابع: کتاب تاریخ لشکر خراسان، جلد اول، رامین خراسان، جلد دوم، رامین نژاد کتاب شناسایی و معرفی اولین‌های شهر مشهد، غلامرضا آذری خاکستر پورتال اطلاع رسانی صداوسیما مرکز خراسان و مقاله اجامی بر تاریخچه رادیو در ایران، گیتی کاوه